

بازخوانی ساختار دانش فقه ناظر به اقتضائات معاصر

امین کرباسی زاده*

چکیده

فقیهان در طول تاریخ اسلام برای چپش مسائل فقهی در کنار یکدیگر و طرح نظام‌مند دانش فقه، شیوه‌های کم‌ویش متفاوتی در پیش گرفته‌اند. این شیوه‌ها که چگونگی دسته‌بندی مسائل فقهی را مشخص می‌سازند، ساختارهای دانش فقه خوانده می‌شوند. این مقاله می‌کوشد با بررسی ساختارهای مطرح در علم فقه، ساختار جدیدی را با توجه به اقتضائات زمانه و مسائل جدید فقهی عرضه کند. بدین منظور پس از تعریف ساختار علم فقه و اهمیت این بحث، ابتدا گزارشی اجمالی از ساختارهای موجود فقه شیعی بیان شده و سپس نقص‌های این ساختارها بررسی شده است. آن‌گاه مباحث موضوع، قلمرو و هدف علم فقه به عنوان مبانی نظری ساختار پیشنهادی مورد دقت قرار گرفته و سپس ساختار پیشنهادی طرح شده است. در ساختار پیشنهادی، فقه در ابتدا به دو شاخه کلان فقه فردی و فقه حکومتی منشعب می‌شود. آن‌گاه فقه فردی به شش دسته احکام رابطه فرد مکلف با خویشتن، خداوند متعال، هموعان، محیط زیست، حکومت و مسائل مربوط به امور مالی تقسیم می‌شود. فقه حکومتی نیز به چهار دسته احکام رابطه حکومت اسلامی با خداوند متعال، ملت، نهادهای بین‌المللی و سایر حکومت‌ها و مسائل مربوط به نهادهای حکومت، می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها

ساختار فقه، تبویب فقه، هندسه فقه، تقسیم‌بندی فقه، قلمرو فقه.

تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۱/۳۱ - تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۷/۱

* دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری فلسفه اخلاق aminkarbasizade@ut.ac.ir

«فقه، تئوری واقعی و کامل ادارهٔ انسان از گهواره تا گور است» (خمينی ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۲۸۹). این کلام فقیه و حکیمی است که رهبری یک انقلاب برآمده از دین را، در دوران سلطهٔ سکولاریسم، بر عهده داشت. انقلابی که داعیه دار بازگشت دوبارهٔ دین، به تمامی صحنه‌های سیاسی - اجتماعی است؛ انقلابی که با پیروزی خود، انبوهی از پرسش‌ها را به سمت حوزه‌های علمیه گسیل داشت و فرصت بی‌بدیلی را فراهم آورد تا فقه از انزوای مدارس، به متن جامعه بیاید. با این حضور، مسائل نوین بسیاری برای کسب تکلیف به فقه عرضه شده که جایگاه آن‌ها در ساختار دانش فقه مشخص نیست. سوای از انقلاب و تشکیل حکومت اسلامی نیز جامعیت ساختار جوامع فقهی و رساله‌های عملیه با اقتضات عصر جدید چندان سازگار به نظر نمی‌آید. جدای از این مسائل، ساختار مرسوم فقه حتی در تقسیم‌بندی مسائل پیشین این دانش نیز مطلوب نظر شماری از دانشوران نبوده، چنان که استاد مطهری رحمته‌الله اظهار می‌دارد: «آیا این مسائل گسترده فقهی به نحوی دسته‌بندی شده و تقسیمی بر مبنای صحیح روی آنها صورت گرفته است یا خیر؟ پاسخ این است که متأسفانه خیر!» (مطهری ۱۳۸۰، ج ۲۰، ۹۲) این کمبودها و مسائل باعث شد که این پژوهش شکل گیرد. بنابراین هدف اصلی از انجام این پژوهش، کوشش در راه ارائهٔ ساختاری نوین برای دانش فقه، مطابق با مقتضیات زمان و نیازهای امروزیست.

چیستی ساختار فقه

«ساختار علم» در اصطلاح، شیوهٔ آرایش و روش ساماندهی مسائل يك علم بر اساس ارتباط معقول و منسجم میان آن‌ها، برای دستیابی به اهداف آن علم است. بر این اساس، مراد ما از ساختار علم فقه، طرح جامع علم فقه است که از کلی‌ترین عنوان شروع می‌شود و تا عناوین جزئی و جزئی‌تر ادامه می‌یابد و مراد از «تبویب»، دسته‌بندی باب‌های فقهی است. از این رو، تبویب، جزئی از ساختار محسوب می‌گردد و يك ساختار کلی می‌تواند چندین نوع تبویب داشته باشد (آصف آگاه ۱۳۹۴: ۱۱۸).

اهمیت بحث از ساختار فقه

اهمیت بحث از ساختار فقه در این است که طراحی یک ساختار خوب، جامع و منطقی برای علم فقه، اجمالاً چنین نتایجی در بر خواهد داشت:

۱. عدم آشفتگی و پراکندگی و تشتت مسائل دانش فقه؛
۲. پیوستگی و هماهنگی و انسجام دانش فقه؛
۳. تسهیل آموزش و فهم دانش فقه؛
۴. تعیین قلمرو و گستره دانش فقه؛
۵. یافتن خلأها و نیازها و بایسته‌های پژوهشی دانش فقه؛
۶. توسعه و رشد علم فقه؛
۷. ترویج و گسترش فقه.

چه بسا بنا بر همین دلایل است که در کتاب «اولویت‌های پژوهشی دانش فقه»، این موضوع اولویت «الف» را داراست (اولویت‌های پژوهشی دانش فقه ۱۳۹۱: ۹۱).

ساختارهای موجود

روش شماری از فقهای متقدم، مستقل آوردن ابواب و مسائل فقهی بوده است. به بیان دیگر، مسائل و ابواب را بدون رده‌بندی و تقسیم خاصی بیان می‌کرده‌اند؛ البته می‌توان با تحلیل ترتیب مسائل مطرح شده، به منطق مشخصی در ذهن ایشان رسید. «المقنع» و «الهدایة» شیخ صدوق و «المقنعة» شیخ مفید (۱) و «الانتصار» و «جمل العلم و العمل» سید مرتضی، از آن جمله است؛ اما همزمان با پیشرفت علم فقه، فقیهان بیش از پیش در تقسیم‌بندی و ارائه ساختار برای علم فقه کوشیدند. در این بخش، مروری اجمالی بر مهم‌ترین تبویبات و تقسیمات موجود در میراث فقهی می‌کنیم.

۱. تقسیم‌بندی سلاز بن عبدالعزیز دلمی (م. ۴۴۸ هـ) در المراسم

مؤلف، مباحث کتاب را به دو دسته عبادات و غیرعبادات و سپس غیرعبادات را به دو

دسته عقود و احکام تقسیم می‌کند. بنابراین مباحث فقهی در سه قسمت عبادات، عقود و احکام جای می‌گیرند. تقسیم‌بندی یادشده با تألیف این کتاب متداول شد (دیلمی، ۱۴۰۴).

۲. تقسیم‌بندی ابوالصلاح حلبی (م. ۴۴۷ هـ.ق) در الکافی فی الفقه (۲)

ابوصلاح مباحث فقهی کتاب خود را ذیل عنوان تکالیف سمعی، چنین دسته‌بندی می‌کند:

۱. عبادات: صلاة، حقوق اموال (زکاة، خمس، انفال، نذرها و کفارات)، صیام، حج، وفاء به نذر و عهد، ایمان، ودیعه، اداء دیون، وصایا، احکام جنائز و ما تعبد الله سبحانه (توبه، جهاد، فسق، امر و نهی).

۲. محرمات: خوردنی‌های حرام، نوشیدنی‌های حرام، خوردنی‌ها و نوشیدنی‌های مکروه، دانستی‌های حرام و مکروه، کارهای حرام، مکاسب محرمه، مکاسب مکروه، ازدواج‌های حرام.

۳. احکام: نکاح، انواع طلاق، تذکيه، احکام عقود، قصاص، دیات، خسارات، حدود (حلبی، ۱۴۰۳).

منطق این تقسیم‌بندی چنین است که حلبی دستورات شرعی را به ابتدایی و طریقی تقسیم می‌کند. آن‌گاه در مطلوب ابتدایی، آنچه را که فعلش مطلوب باشد، عبادات و آنچه را که ترکش مطلوب باشد، محرمات می‌نامد و آنچه را که مطلوب طریقی باشد، احکام نام‌گذاری می‌کند. بنابراین آن سان که پیداست مراد از احکام در این تقسیم‌بندی، اصطلاح خاصی است که متفاوت از اصطلاح احکام در ساختار «شرائع الاسلام» است.

۳. تقسیم‌بندی محقق حلبی (م. ۶۷۶ هـ.ق) در شرائع الإسلام

این تقسیم، رایج‌ترین و آشناترین ساختار دانش فقه است. ایشان تمام فقه را به چهار بخش تقسیم می‌کند:

۱. عبادات: طهارت (دربرگیرنده وضو و غسل و تیمم)، صلاة، زکات، خمس، صوم،

- اعتکاف، حج، عمره، جهاد و امر به معروف و نهی از منکر.
۲. عقود: تجارت، رهن، مفلس، حجر، ضمان (حواله و کفالت نیز در ضمن ضمان ذکر شده)، صلح، شرکت، مضاربه، مزارعه و مساقات، ودیعه، عاریه، اجاره، وکالت، وقف و صدقات، سکنی و حبس، هبات، سب و رمایه، وصیا و نکاح.
۳. ایقاعات: طلاق، خلع و مبارات،ظهار، ایلاء، لعان، عتق، تدبیر و مکاتبه و استیلا، اقرار، جعاله، ایمان و نذر.
۴. احکام: صید و ذباحت، اطعمه و اشربه، غصب، شفعه، احیای موات، لقطه، فرائض، قضا، شهادت، حدود و تعزیرات، قصاص و دیات (محقق حلّی، ۱۴۰۸).
- شاهد اول در «القواعد و الفوائد»، این رده‌بندی را چنین توجیه کرده: «أن الحكم الشرعی إما أن تكون غايته الآخرة، أو الغرض الأهم منه الدنيا والأول: العبادات. والثاني: إما أن يحتاج إلى عبارة، أو لا والثاني: الأحكام. والأول: إما أن تكون العبارة من اثنين - تحقيقاً أو تقديراً - أو لا والأول: العقود والثاني: الإيقاعات» (شاهد اول بی تا، ج ۱، ۳۰).

۴. تقسیم‌بندی شهید صدر (م. ۱۴۰۰ هـ.ق) در الفتاوی الواضحه

این تقسیم‌بندی از نظر توجه به ماهیت افعال و همچنین قرابت به ساختار علم حقوق قابل توجه است.

۱. عبادات: شامل نماز، روزه، اعتکاف، حج، عمره و کفارات.
 ۲. اموال: شامل
 - الف) اموال عمومی: شامل خراج، انفال، خمس و زکات.
 - ب) اموال خصوصی: به دو دسته اسباب شرعی تملك خاص و احکام تصرف در اموال.
- ابواب احیای موات، حیازت، صید، میراث، ضمانات، غرامات و تبعیت ذیل اسباب شرعی تملك و بیع، صلح، شرکت، وقف، وصیت و معاملات ذیل احکام تصرف در اموال.
۳. سلوک خاص (رفتارهای شخصی): شامل روابط خانوادگی و روابط اجتماعی.

الف) روابط خانوادگی: نکاح، طلاق، خلع، مبارات،ظهار و ایلا.
 ب) روابط اجتماعی: اطعمه و اشربه، ملابیس و مساکن، آداب معاشرت، احکام نذر، عهد، صید، ذباحت و امر به معروف و نهی از منکر.
 ۴. سلوک عام (رفتارهای عمومی): دربرگیرنده رفتار ولی امر (حاکم) در هنگام حکم، قضاوت، جنگ، روابط بین الملل شامل ولایت عامه، قضا، شهادت، حکومت، صلح، جنگ، جهاد و حدود (الصدر ۱۴۰۳، ۹۹ و ۱۳۲-۱۳۴).
 البته ایشان جایگاه تمامی مباحث فقهی را در ساختار جدید مشخص نکردند و با توجه به این که بخش معتناهی از مباحث فقهی، ماهیتی چندگانه دارند و به هر اعتبار جایگاهی متفاوت، ابهاماتی در این ساختار ایجاد کرده است.

۵. سایر ساختارها

ساختارهای فقه شیعی (۳) به موارد مذکور، محدود نمی شود؛ مثلاً ابن براج در *المهذب*، علامه حلّی در *إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان*، شهید اول در *القواعد والفوائد*، فیض کاشانی در *مفاتیح الشرایع*، آیت الله سید محمد جواد حسینی عاملی در *مفتاح الكرامة*، علامه فضل الله در *فقه الشریعة* و آیت الله مشکینی در *الفقه المأثور*، ساختارهای متفاوتی بیان می کنند اما به دلیل محدودیت این نوشتار و همچنین وجود منابعی برای معرفی این ساختارها، به مطالب بیان شده اکتفا می کنیم و مشتاقان آشنایی با این تقسیم بندی ها را به اصل این کتب و نیز منابع موجود در این زمینه ارجاع می دهیم. (۴)

نقص ساختارهای موجود

به طور فشرده می توان اشکالات و کاستی های ساختارهای پیش گفته، به ویژه تقسیم بندی *شرائع الإسلام* (۵) را از جزئی و موردی تا کلی و اساسی، چنین برشمرد.

۱. عدم درج در جایگاه متوقع و لغزش های جزئی جایگاه یابی

در *شرائع الإسلام*: کتاب جهاد و امر به معروف (با این که قصد قربت در آن ها شرط نیست)، ذیل عبادات و کتاب های نذر، عتق و کفارات (که قصد قربت در آن ها

شرط است)، ذیل احکام آمده است.
کتاب مکاتبه (که از عقود است)، ذیل ایقاعات و کتاب‌های حجر، تفلیس و شرکت (که عقد نیستند)، ذیل عقود آمده است.

۲. انفصال مسائل همگون (تفریق مجتمعات)

جدا کردن عمره از حج؛ آوردن نکاح در عقود و طلاق در ایقاعات؛ ناپوستگی طلاق، لعان،ظهار، ایلاء، خلع و مبارات از یکدیگر؛ آوردن اجاره در عقود و جعاله در ایقاعات و شفعه در احکام، از مصادیق قابل ذکر است.

۳. اتصال مسائل ناهمگون (تجميع متفرقات)

به خصوص در بخش احکام، برای مثال، اطعمه و غضب در یک بخش آمده‌اند. این ناهمگونی به گونه‌ای است که استاد مطهری به حق این چنین اظهار می‌کند: «اساساً کلمه «احکام» ... در این جا مفهومی نمی‌تواند داشته باشد، اصطلاحی است نه چندان مناسب برای ابوابی که نه از عباداتشان می‌توان شمرد و نه از عقود و نه از ایقاعات و نه از عادات و نه از سیاسات» (مطهری ۱۳۸۰، ج ۲۰: ۱۲۱).

۴. عدم التفات به ماهیت افعال

این اشکال، در واقع ریشه اشکالات پیشین است. برای نمونه در شرائع، نیازمندی یا عدم نیازمندی به صیغه و همچنین دو سویه یا یک سویه بودن آن، معیار تقسیم‌بندی قرار گرفته و به ماهیت و سرشت مسائل توجهی نشده است؛ در صورتی که بهتر آن است که با توجه به ماهیت امور مختلف موجود در فقه، امور متشابه و متفاوت را شناسایی کرد و آن‌گاه امور متشابه را در کنار یکدیگر و امور متفاوت را جدای از هم تنظیم کرد.

۵. عدم تنقیح مبانی فلسفه فقهی

کامیابی هر ساختاری برای دانش فقه، علاوه بر رعایت قواعد منطقی تقسیم، در

گرو اتکای آن به یک پشتوانه فلسفه فقهی است؛ چراکه فلسفه فقه می‌تواند با تعیین دقیق موضوع، قلمرو و هدف علم فقه، مبنا و بنیاد محکمی را برای موجه نمودن ساختار این دانش، فراهم آورد. همچنین فلسفه فقه بایسته، می‌تواند با تحلیل مسائل گوناگون فقهی، ملاک‌ها و معیارهای شایسته‌ای را برای تقسیم‌بندی دانش فقه تأمین کند؛ اما ساختارهای پیش‌گفته عموماً فاقد چنین پشتوانه فلسفه فقهی - به خصوص به صورت منقح - هستند.

۶. عدم جامعیت

قلمرو فقه در بسیاری از منابع، حداقلی در نظر گرفته شده است؛ در حالی که فقه باید برای تمامی افعال اختیاری مکلفان، یکی از احکام خمس را صادر کند. این امر موجب شده که آیات و روایاتی بسیار، با خروج از دایره فقه، مورد دقت فقیهانه قرار نگیرند.

۷. ناهماهنگی با نیازهای معاصر

بسیاری از مسائل جدید و مورد ابتلا، جایگاهی در ساختارهای پیش‌گفته ندارند. شاهد این سخن، حجم مسائل مطرح در انتهای رساله‌های عملیه و کتب استفتائات، تحت عنوان مسائل مستحدثه یا متفرقه و یا ملحقات و ... است. (۶) در ادامه برآنیم تا طرحی را دراندازیم که نقص‌های پیش‌گفته در آن به کمترین میزان برسد.

مبانی نظری ساختار پیشنهادی

در این بخش مباحث موضوع، قلمرو و هدف فقه، به عنوان بنیادهای فکری ساختار پیشنهادی، مورد بازخوانی قرار گرفته؛ همچنین پندار توقیفی بودن ابواب فقه نقد شده است.

موضوع فقه

افعال (اختیاری) مکلفان از نظر حکم شرعی، به عنوان موضوع علم فقه مطرح شده است. (۷) در ساختار پیشنهادی ضمن پذیرش اجمالی این موضوع برای دانش فقه، «افعال» اعم از رفتارهای جوارحی و جوانحی در نظر گرفته شده است. به بیان دیگر، این ساختار مبتنی بر این نگرش است که تعیین تمامی گزاره‌های انشائی دین (بایدها و نبایدهای شرعی) بر عهده علم فقه است. (۸) دلیل این مدعا آن است که در ادله قرآنی و روایی برای رفتارهای جوانحی نیز مانند افعال جوارحی، محمول‌ها و تکالیفی وضع شده و تفاوتی میان این دو گذاشته نشده است (ر.ک: اعرافی و موسوی، ۱۳۹۰). بنابراین فقه، به عنوان دانش تعیین‌کننده باید و نبایدهای شرعی، باید به تمامی رفتارهای اختیاری بشری و مقدمات آن پردازد. همچنین مکلفان اعم از مکلفان حقیقی و حقوقی منظور شده است. مراد از مکلف حقیقی، شخص مکلف و مراد از مکلف حقوقی نیز جامعه و حکومت اسلامی است. دلیل مدعای دوم نیز برپایی حکومت اسلامی و لزوم تعیین تکالیف آن بر اساس منابع اسلامی، با روش و الگوی متفکرانه است؛ چراکه نمی‌توان پذیرفت که حکومت اسلامی هیچ تکلیفی از جانب شارع نداشته باشد. روشن است که تکالیف حکومت اسلامی باید توسط کارگزاران و مسئولان حکومت پیگیری و اجرا شود (اعرافی ۱۳۹۱: ۶۴-۸۵).

قلمرو فقه

با تعیین موضوع علم فقه، قلمرو این علم نیز تا حدودی روشن گردید؛ اما در این بخش مشخصاً پرسش این است که آیا فقه تنها به احکام رابطه مکلفان با خداوند متعال نظر دارد یا تعیین احکام تمامی روابط مکلفان بر دوش این دانش است؟ به بیان دیگر، آیا روابط فردی و اجتماعی انسان و نیز روابط درونی و سیاسی حکومت، مشمول احکام فقهی می‌شود یا نه؟ خاستگاه طرح این پرسش، مباحثی است که شماری از روشنفکران و دگراندیشان مطرح کرده‌اند. دیدگاه ایشان چنین است که دین تنها می‌تواند در ارتباط

انسان با خود و خدا ورود یابد (و نه دیگران و طبیعت)، آن هم ارتباطی شخصی و نه اجتماعی. (۹) بررسی و نقد این دیدگاه در این مقال و مجال نمی‌گنجد، (۱۰) ولی این ساختار مبتنی بر نگرش حداکثری به قلمرو فقه، تمامی افعال و روابط انسانی را دارای حکم شرعی می‌داند. بر اساس این نگرش، گستره دانش فقه، تمامی افعال و روابط انسانی را در بر می‌گیرد؛ بنابراین ساختار پیشنهادی نیز باید چنین توانایی و قابلیت را داشته باشد.

هدف فقه

برای تعیین هدف علم فقه، از نظر شهید صدر بهره می‌بریم. ایشان هدف اجتهاد و علم فقاہت را ایجاد توانایی برای مسلمانان می‌داند به گونه‌ای که خود را با نظریه اسلام درباره زندگی منطبق گردانند؛ چراکه این انطباق نمی‌تواند تحقق یابد مگر حرکت اجتهاد، نشانه‌های راهنمای این نظریه و جزئیات آن را مشخص نماید (صدر، بی‌تا، ج ۱۷: ۴۷۲). بنابراین فقه باید به گونه‌ای عرضه شود که شخص مسلمان و حکومت اسلامی بتوانند جمیع شئون خود را بر اساس نظر اسلام سامان دهند.

غیرتوقیفی بودن ابواب فقه

این ساختار بر این دیدگاه مبتنی است که فقه و ابواب آن، به آنچه در کتب فقهی گذشتگان آمده، محدود نیست و امکان افزایش و کاهش ابواب فقهی ناظر به اقتضائات زمان وجود دارد؛ چراکه اولاً ابواب کتب فقهی از ابتدا بدین گونه نبوده، بلکه با مرور زمان و بر اساس مقتضیات هر عصر، ابواب این کتب افزایش و حتی در برخی موارد کاهش یافته‌اند. ثانیاً تعداد ابواب فقهی در کتب قدما نیز متفاوت است؛ برای نمونه مسائل فقهی نهاییه شیخ طوسی ۲۲ باب، مبسوط وی ۷۱ باب، شرائع الاسلام محقق ۵۲ باب، قواعد علامه حلی ۳۱ باب، تبصرة المتعلمین وی ۱۸ باب، لمعه شهید اول ۵۲ باب و دروس وی ۴۸ باب دارد (نقل آمار از: مدرسی طباطبایی ۱۴۱۰: ۲۵). بنابراین امروزه نیز می‌شود (و بلکه لازم است) ابواب جدیدی به فقه افزوده شود و فقه گسترش یابد.

همچنین برخی از موضوعات نیز امروزه چندان محل ابتلا نیست که باب جداگانه‌ای به آن‌ها اختصاص داده شود؛ مانند کتاب العتق، التدبیر، المکاتبه، استیلا و ...، یا اگر فرض شود که محل ابتلاست باز هم احکام آن‌ها به میزانی نیست که نیاز باشد در کتاب جداگانه‌ای بحث شود بلکه می‌توان همه آنها را ذیل یک کتاب (یا باب) بحث کرد؛ مانند: ظهار و ایلاء و لعان که می‌توانند ذیل بحث طلاق (یا اسباب فراق) قرار گیرند. بنا بر مطالب پیش گفته نباید با پندار تعبدی بودن ابواب فقهی، فقه اهل بیت علیهم‌السلام و هزاران روایت صادر شده از ایشان را در قالب چند کتاب یا باب فقهی محصور کرد. (۱۱)

طرح اجمالی ساختار پیشنهادی

اکنون شایسته است نظری کلی به ساختار پیشنهادی بیندازیم.



طرح تفصیلی ساختار پیشنهادی

در این بخش می‌کوشیم ضمن توجیه ساختار پیشنهادی، به صورت فشرده جایگاه مسائل فقهی را در آن مشخص کنیم. (۱۲)

تقسیم‌بندی فقه به فقه فردی و فقه حکومتی

در ابتدا فقه به دو دسته فردی و حکومتی (یا سیاسی) تقسیم می‌شود. این تفکیک به دلیل تفاوت ماهوی مکلفان این دو دسته است؛ چراکه در اولی مکلف، عموماً فرد مسلمان و در دیگری، جامعه و حکومت اسلامی است. همچنین اختلافاتی که در میزان و گستره بهره‌گیری از منابع فقهی و نیز روش‌های استنباط از این مآخذ می‌تواند وجود داشته باشد، دلیل دیگری بر این جداسازی است (ر.ک: اسلامی ۱۳۸۵). افزون بر این، بهره‌مندی فقیه از بینش کلان و حکومتی، به‌ویژه نسبت به این شاخه از فقه، می‌تواند تأثیرات جدی در روند استنباط او داشته باشد. (۱۳) شایان ذکر است که مباحث فقه حکومتی، در فقه اهل سنت تحت عناوین الاحکام السلطانیه یا فقه الخلافه یا نظام‌الحکم مطرح شده، ولی در فقه شیعه، به دلیل عدم دسترسی شیعیان به حکومت، تا کنون کمتر طرح و بررسی شده است.

■ احکام مربوط به شخص مکلف (فقه فردی)

این بخش به شش شاخه به علاوه یک مدخل تقسیم می‌شود. وجه تقسیم، آن است که مسائل فقهی یا مربوط به رابطه مکلف با خودش است یا غیر خودش؛ غیر خودش یا خالق اوست (رابطه با خداوند متعال) یا غیرخالق او، یعنی سایر مخلوقات است؛ سایر مخلوقات یا ممنوع انسان نیستند (رابطه با طبیعت و محیط زیست) و یا هستند (رابطه با ممنوعان)؛ ارتباط با ممنوعان یا به صورت روابط مالی و اقتصادی است (رابطه با اموال و امور مالی) یا غیر آن؛ ارتباط غیرمالی و اقتصادی با ممنوعان نیز یا ارتباطی سیاسی با حکومت و کارگزاران است (رابطه با حکومت) یا غیر آن (در همان شاخه رابطه با

همنوعان). بنابراین مسائل روابط مالی با دیگران و رابطه با حکومت، در واقع زیرمجموعه رابطه با همنوعان هستند، نه تقسیم آن، ولی به دلیل کثرت مسائل هر کدام و ماهیت ویژه آنها، به صورت جداگانه مطرح شده است. (۱۴) در مدخل نیز مراد از مکلف و شیوه‌های دستیابی او به تکالیفش تبیین می‌شود. اکنون تفصیل هر بخش را پی می‌گیریم. (۱۵)

مدخل

در مدخل از شرایط و موانع تکلیف بحث می‌شود و مشخص می‌گردد که «مکلف دقیقاً کیست؟» پس از آن از راه‌های دستیابی مکلف به احکام، گفت‌وگو می‌شود. مباحث اجتهاد و تقلید، شرایط مرجع، راه‌های اثبات اجتهاد و علمیت، تجزی در اجتهاد و تبعیض در تقلید، حجیت فتوای شورایی و... در این بخش، بحث و بررسی می‌شود.

الف) در تعامل با خویشان (۱۶)

مباحث این بخش چنین دسته‌بندی می‌شود:

۱- در تعامل با عقل خویش (افعال شناختی)

۱ - ۱ فقه باور (فقه العقیده): شامل مباحث اعتقادات واجب التحصیل درباره خداوند متعال و پیامبران و ائمه علیهم‌السلام و معاد، ضروریات دین (مقدار و محدوده آن) و... . شایان توجه است که این مباحث در کتب فقهی بی‌سابقه نیستند؛ برای نمونه شیخ صدوق در ابتدای «الهدایة»، شیخ مفید در آغاز «المقنعه» و سید مرتضی در شروع «الجمل و العلم»، چند باب را به احکام اعتقادات اختصاص داده‌اند. (۱۷)

۲ - ۱ فقه یادگیری (فقه المعرفة): این بخش در صدد است تا یادگیری و اکتساب معرفت را که محصول شناخت و آگاهی نیز می‌تواند باشد، با نگاهی فقهی بررسی کند و احکام خمسۀ این گونه رفتارهای اختیاری را تعیین کند؛ برای مثال احکام و آداب یادگیری، مطلق علم‌آموزی، مطلق دین‌آموزی، آموختن معارف مبتلابه

دین، تحصیل در مراکز آموزشی ادیان و مذاهب مخالف، تعریف و مصادیق کتب ضاله، احکام یادگیری فلسفه، علوم غریبه، سحر، موسیقی و... در این جا بحث می شود. (۱۸)

۳- ۱ فقه تفکر: شامل احکام فکر گناه، تفکر در امور شهوانی و ... این مبحث نیز در کتب فقهی بی سابقه نیست؛ برای نمونه باب ۱۰۸ کتاب «فقه الرضا» درباره حدیث نفس است (منسوب به امام رضا علیه السلام ۱۴۰۶: ۳۸۵).

۲- در تعامل با نفس خویش (افعال نفسانی)

فقه اخلاق (فقه الاخلاق): (۱۹) این بخش در تلاش است تا قلمرو خود را به رفتارهایی درونی اختصاص دهد که از سنخ شناخت و عقیده مندی نیستند، اما فعل نفس تلقی می شوند؛ رفتارهایی که با عناوینی چون اخلاقیات، حالات و صفات اخلاقی و رفتارهای ارزشی از آنها یاد می شود. روشن است که صفات نفسانی مادامی که غیر اختیاری باشند، در دایره فقه قرار نمی گیرند. بنابراین مباحثی مانند احکام صفات و ملکات، خودشناسی، جهاد با نفس، تهذیب نفس و گناهانی همچون ریا، عجب، کبر، سوءظن، حقد و حسد و ... در این شاخه مستقر می شود. پیشینه این مباحث نیز در کتبی مانند «وسائل الشیعه» - ذیل کتاب الجهاد، ابواب جهاد نفس - (شیخ حر عاملی ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۱۶۱ تا ج ۱۶: ۱۱۴) و «النخبه فی الحکمة العمليه والأحكام الشرعیه» - ذیل کتاب الطهارة، مبحث طهارة الباطن - (فیض کاشانی ۱۴۱۸: ۸۶-۴۸) قابل پیگیری است.

۳- در ارتباط با جسم و بدن

۱- ۳ خوردن و آشامیدن: شامل مسائل مرسوم باب اطعمه و اشربه و افزون بر آن مصادیق لقمه حرام، حکم پرخوری، حلال و حرام خوراکی ها و نوشیدنی ها (شامل گوشت های حلال، حرام و مکروه، اجزای حرام حیوان حلال گوشت، احکام خوراکی ها و نوشیدنی های خارجی، ژلاتین و...); احکام مسکرات (مشروبات

الکلی، مصادیق جدید مست کننده‌ها و...) و مخدرات (سیگار، قلیان، مواد مخدر، روانگردان‌ها و...) نیز ذیل همین بخش قرار می‌گیرد.

۲- ۳- تصرف در اعضا و اندام: دربرگیرنده احکام جراحی زیبایی، آسیب به بدن، اهدای عضو، اجاره عضو (مثلاً اجاره رحم)، فروش عضو، تغییر جنسیت، عقیم‌سازی و ...

۳- ۳- نظافت و بهداشت: احکام دین در زمینه بهداشت، حفظ سلامتی و ...

۴- ۳- پوشش: انواع پوشاک و احکام آن (نوع و رنگ لباس، لباس جنس مخالف، لباس شهرت، تشبه به کفار و...)، ستر و حجاب (حدود و استثنائات آن، چادر و لباس‌های شفاف و...)، مستحبات و مکروهات پوشش و... مسائلی است که در این بخش مطرح می‌شود. احادیثی که ذیل کتاب الرّی در «کافی» (شیخ کلینی ۱۴۲۹، ج ۱۳: ۷) آمده، در این بخش شایان تنقیح و بررسی است.

۵- ۳- آرایش: شامل احکام تراشیدن ریش، استعمال لوازم آرایشی، موی مصنوعی، خالکوبی، آداب آرایش و زینت و ...

۴- در ارتباط با تندرستی و سرگرمی

۱- ۴- ورزش و تندرستی: احکام انواع ورزش‌ها (رزمی و بوکس، شطرنج، بلیارد و...)، ورزش قهرمانی، ورزش بانوان و... مسائل متداول سبق و رمایه نیز همین جا مطرح می‌شود.

۲- ۴- شادی و سرگرمی: احکام و مصادیق تفریحات سالم، لهو و لعب و تفریحات ناسالم، مقدار سرگرمی، احکام مسائلی همچون شوخی، کف زدن، رقص، شرط‌بندی و بخت‌آزمایی، احکام بازی‌ها (بازی‌های رایانه‌ای، پاسور، تخته نرد، آلات قمار و غیره) و...

۵- در ارتباط با عمر و زندگانی

گذران زندگانی: حکم اتلاف عمر و مصادیق آن، چگونگی تقسیم اوقات، حکم کارگری، طلب روزی و... . احادیث کتاب المعیشتة «کافی» (شیخ کلینی ۱۴۲۹، ج ۹: ۵۰۹) به ویژه ابواب ابتدایی آن، در این زمینه قابل پیگیری است.

ب) در ارتباط با خداوند متعال (فقه بندگی)

این بخش اشتراک زیادی با مباحث متداول عبادات (به معنای اخص) دارد. بنابراین طهارت (به عنوان مقدمه نماز)، نماز (۲۰) و نیایش (علاوه بر مسائل مرسوم کتاب الصلاة، احکام ذکر، دعا، توبه، استخاره و...)، صوم، اعتکاف و حج (به علاوه عمره) در این بخش قرار می گیرد. وانگهی شایسته است دو باب دیگر نیز به این بخش اضافه گردد.

۱- باب توسل، زیارت و بزرگداشت معصومین علیهم السلام

این مباحث، شاید به دلیل مستحب بودنشان، کمتر در کتب فقهی معاصر جایگاهی دارد، ولی به دلیل مبتلابه بودن این مسائل و همچنین آسیب‌ها و خرافاتی که دامنگیر این امور شده، بایسته است که مورد تنقیح و بررسی فقیهانه قرار گیرد. شامل:

۱- ۱ احکام و آداب زیارت: این بخش نیز در کتب قدما قابل ردگیری است؛ برای نمونه شیخ مفید حدود ۴۰ باب از «المقنعة» را به احکام زیارت معصومین علیهم السلام و اولیای الهی اختصاص داده است (شیخ مفید ۱۴۱۳: ۴۵۵-۴۹۴). (۲۱) مسائلی مانند زیارت امام زادگان، حکم سینه خیز رفتن، طناب و قفل و دخیل بستن به ضریح، روشن نمودن شمع و... نیز قابل طرح است.

۲- ۱ مراسم سوگواری معصومین علیهم السلام: حدود جزع در عزای معصومین علیهم السلام، احکام مرثیه خوانی (تقلید از سبک‌های موسیقی، خواندن روضه دروغ، روضه خوانی زنان و...)، تعزیه خوانی، سینه زنی (عریان شدن، هروله و...)، لطمه زنی، زنجیرزنی، قمه زنی، استفاده از علم و کُتَل، استفاده از آلات موسیقی

(طلبل، سنج، شیپور، نی، فلوت و...) و حقوق دیگران در عزاداری و... بایسته بررسی است.

۳- ۱ مراسم شادمانی معصومین علیهم السلام: احکام مدیحه سرایی، دست زدن و حتی مراسم نهم ربیع (حکم شرکت و...).

۲- باب پیمان‌های شرعی

مباحث نذر، عهد، یمین و کفاره نیز در این جا قرار می‌گیرند.

ج) در ارتباط با همنونان (فقه اجتماعی)

۱- خویشاوندان (فقه خانواده)

۱- ۱ والدین: حقوق مادر و پدر، میزان اطاعت از ایشان، حکم رسیدگی در صورت نیازمندی ایشان و... .

۲- ۱ همسر:

- ازدواج: احکام تعزب و عدم ازدواج، شرایط و آداب و احکام خواستگاری و انتخاب همسر، احکام و آداب مهریه و مسائل مرسوم نکاح.

- همسرداری: حقوق متقابل زوجین، نفقه و

- زناشویی: احکام و آداب مقاربت، نشوز و تمکین، وظایف در فرض عدم ایفای تکالیف جنسی و... . مباحث پیشگیری و تنظیم خانواده و ... نیز در همین جا مستقر می‌شوند.

- جدایی: شامل مباحث فسخ نکاح (موجبات، نحوه احراز و احکام آن)، طلاق، خلع و مبارات، ظهار، ایلاء و لعان. گفتنی است که در «إرشاد الأذهان» (علامه حلی ۱۴۱۰، ج ۲: ۴۱) و «مفاتیح الشریعة» (فیض کاشانی بی تا، ج ۲: ۳۰۳) نیز تمامی این موارد ذیل کتاب الفراق قرار گرفته‌اند.

۳- ۱ فرزندان: حقوق فرزندان، احکام و آداب نام‌گذاری، عقیقه، شیر دادن، مهرورزی، احترام، تربیت، تزویج و



- ۴- ۱ سایر بستگان: معانی رحم، صلۀ رحم و قطع رحم، مصادیق قطع رحم، احکام صلۀ رحم کفار، اهل بدعت، اهل فسق و گناه و... .
- ۲- بردگان: ابواب فقهی عتق، تدبیر، مکاتبه و استیلا در این جا مستقر می شود، البته با توجه به عدم برده داری در زمانۀ ما، اصراری به باقی ماندن این بخش وجود ندارد، بلکه ترجیح با حذف آن است.
- ۳- نامحرمان: انواع مصادیق محرمیت (موجبات، شرایط و احکام)، احکام روابط و تعاملات با نامحرم (رؤیت و نگاه، گفت و شنود، همکاری، خلوت)، روابط دختر و پسر (شرایط مشروعیت)، حدود و شرایط ارتباط زن و مرد در فعالیت های مشترک و... .
- ۴- مردمان: حق الناس و احکام تضييع آن، امر به معروف و نهی از منکر (اقسام، شرایط، کیفیت، مراتب و...) و احکام و آداب معاشرت و همزیستی در دو بخش:
- ۱- ۴ شیعیان: حقوق متقابل مؤمنان، احکام برادران ایمانی و غیره. مباحث حقوق المؤمنین یا حق المؤمن علی أخیه که در کتب فقهی و روایی آمده، پیشینه این بحث را در کتب قدما نشان می دهد (برای نمونه نک: شیخ کلینی ۱۴۲۹، ج ۳: ۴۳).
- ۲- ۴ غیر شیعیان: احکام تعامل با اهل سنت، اهل ذمه، اهل کتاب (طهارت اهل کتاب، حکم صابئین و زردشتیان...)، پیروان ادیان غیرابراهیمی (بودائیان، هندوئیان، بهائیان، ادیان بشری، معنویت های نوظهور و...)، مشرکان و کفار.
- ۵- مددجویان: (۲۲) آداب و احکام رسیدگی به سالمندان، مصیبت دیدگان، مستضعفان، فقرا، یتیمان، معلولان و... .
- ۶- محضر و اموات: احکام محضر و اموات (غسل و کفن و دفن و...)، جابه جایی و نبش قبر، تشریح، مرگ مغزی، پیوند اعضا و... .
- ۷- متعرضان و مهاجمان: مباحث شخصی جهاد و دفاع از جان و مال و ناموس. نکته: می توان ابواب دیگری، مانند همسایگان (به ویژه با توجه به اقتضات آپارتمان نشینی)، مهمانان، همکاران، دوستان و... نیز به همین بخش افزود.

د) در ارتباط با اموال و امور مالی

۱ - کسب مال و تملک: مسائل و احکام شیوه‌های کسب مال (مانند اخذ اجرت برای واجبات، پورسانت، درآمدهای رانتی، قاچاق و...)، مالکیت معنوی (تألیف، اختراع، اکتشاف، حق انحصار، حق امتیاز و...)، مباحث مرسوم احیاء الموات، ارث، لقطه و غصب اموال نیز ذیل همین بخش قرار می‌گیرند.

۲- تصرفات مالی:

۱- ۲ تجارت (داد و ستد): شامل مباحث متداول مکاسب و متاجر و افزون بر آن احکام خرید و فروش کالاهای جدید (چک، ارز، اعضای بدن انسان، اشیاء زینتی و تجملاتی و...)، اسکنت چک، تجارت الکترونیکی، بیع زمانی (۲۳)، استصناع (۲۴) و....

۲- ۲ مشارکت: مباحث شرکت، قسمت، شفعه، مضاربه، مزارعه، مساقات، در کنار مسائل جدیدی مانند احکام شرکت‌های تعاونی، اوراق مشارکت، مصادیق جدید شراکت و... در این قسمت قرار می‌گیرند.

۳- ۲ وین: دربرگیرنده مباحث قرض، وام، رهن، ضمان (به معنای خاص آن، یعنی تعهد در پرداخت بدهی شخص دیگر؛ شامل حواله و کفالت)، ودیعه، عاریه (شرایط و احکام امانت‌داری، مصادیق و احکام خیانت در امانت). شایان ذکر است که تجمیع این مباحث ذیل یک کتاب، در کتب فقهی قدما پیشینه‌دار است (برای نمونه رک: شیخ طوسی ۱۴۰۷، ج ۶: ۱۸۳).

۴- ۲ اجاره: مبحث اجاره و در ذیل آن احکام سرقفلی، جعاله و وکالت.

۳- واگذاری مال:

۱- ۳ زکات: موارد وجوب آن و... ذکر این نکته لازم است که شمار زیادی از فقها بحث زکات و خمس را در ذیل عبادات جای داده‌اند، اما به دلیل ظهور و غلبه جنبه مالی این دو مبحث بر جنبه عبادی آن‌ها، به نظر بهتر آن است که در این جا مستقر شوند. شهید صدر رحمته نیز در «الفتاوی الواضحة» به جای طرح این مباحث در عبادات، آنها را ذیل اموال جای می‌دهند.

۲-۳ صدقه

۳-۳ خمس

۴-۳ هبه

۳- ۳ وقف: احکام و مصادیق وقف (منابع آبی، پول، اوراق بهادار، اسناد تجاری، قبرستان و...)، تغییر وقف نامه، تغییر کاربری وقف و... . مباحث سکنی و حبس نیز به عنوان وقف موقت در ذیل همین بخش قرار می گیرد.

۴- **گرامت های مالی:** این بخش در صدد بررسی و تعیین مواردی است که عمل ضمان آور می باشد؛ یعنی موجب خسارت مالی و مدیون شدن مکلف می گردد. با تعیین گرامتی که مکلف ضامن است، سعی می شود تا افراد بدون مراجعه به دادگاه، حقوق مالی یکدیگر را پرداخت نمایند. احکام و مصادیق جدید اتلاف مال غیر، احکام خسارت معنوی و ... در این شاخه قابل بررسی است. برای آشنایی با مسائل مختلفی که می تواند ذیل این بخش قرار گیرد، به کتاب استفتائات مسائل ضمان، که بیش از ۵۰۰ مسئله گوناگون درباره این مسائل در آن طرح شده مراجعه کنید (منتظری نجف آبادی، بی تا).

۵- **شغل (فقه مشاغل):** (۲۵) با قرار گرفتن مکلف در هر موقعیت شغلی، مسائل و تکالیف ویژه ای برای او پدید می آید. در این بخش، احکام هر کدام از مشاغل به صورت جداگانه مطرح می شود. برای نمونه:

۱- **۵ معلمان:** احکام و آداب تعلیم و تربیت، تمسخر، توهین و تنبیه بدنی دانش آموزان و...

۲- **۵ دانش طلبان:** احکام و آداب تعلم، احکام مناظره (گفت و گوی علمی)، نقد، پژوهش، مواجهه با اساتید منحرف و...

۳- **۵ مدیران:** احکام رشوه، رانت خواری، اختلاس، کم توجهی به بیت المال، قانون گریزی، پارتی بازی، مسئولیت مدیران در تخلفات و جرایم زیردستان، مسئولیت ضرر و زیان ناشی از تصمیم های غلط مدیران، به کارگیری غیراصلاح، ضمان ناشی از سوء مدیریت و رفتار مدیران و...

۴- ۵ کارمندان: حقوق ارباب رجوع، احکام اختلاس، رانت خواری، کم توجهی به بیت‌المال، ارتشاء و توقع گرفتن هدیه و رشوه به ازای کار، کارگریزی (به معنای کمی و کیفی و اهمال در کار و کم کاری)، قانون‌گریزی، وظیفه در تعارض دستور مافوق با احکام شرعی، تراحم مأموریت‌های شغلی با حقوق خانواده و...

۵- ۵ پزشکان: حقوق بیمار، حریم خصوصی بیمار، حق ویزیت، اشتباهات تشخیصی و درمانی، قتل ترحمی (اتانازی)، احکام شبیه‌سازی انسانی، تغییر جنسیت، تلقیح مصنوعی، عقیم‌سازی، سقط جنین، مرگ مغزی، پیوند اعضا، تشریح و...

۶- ۵ هنرمندان: شامل بازیگران، نوازندگان، نگارگران، مجسمه‌سازان، شاعران و داستان‌نویسان و...

نکته: سایر مشاغل و حرف، از جمله فروشنده‌گی، کشاورزی، کارفرمایی و کارگری، مهندسی، پلیس، خبرنگاری، نویسندگی، پژوهشگری و حتی طلبگی و تبلیغ و مداحی و... نیز می‌توانند، (و بلکه لازم است) که فقه خاص خود را داشته باشند. روشن است که این امر در گرو استقصا و بررسی مسائل مورد ابتلای این مشاغل و تعیین حکم شرعی آنها است. (۲۶)

هـ) در ارتباط با سایر مخلوقات و مصنوعات (حيوانات، محیط زیست، اماکن و اشیاء)

۱- حیوانات: (۲۷) شامل حقوق حیوانات، احکام نگهداری حیوانات، داغ گذاشتن، تغذیه حیوانات، حدود بهره‌گیری از حیوانات، آزار و اذیت و سب و لعن حیوان، تحریش (به جان هم انداختن) حیوانات، عقیم‌سازی حیوانات و... . مباحث ذبح (شامل شرایط، احکام و آداب آن، ذبح با ابزار جدید و...) و صید (شامل شرایط و احکام شکار، صید دسته‌جمعی، شکار تفریحی و...) و کشتن حیوانات مودی نیز در همین بخش قرار می‌گیرد.

۲- محیط زیست: دربرگیرنده مسائلی از قبیل حدود بهره‌برداری از محیط زیست، احکام تخریب و آلوده کردن محیط زیست، مصادیق اسراف در استفاده از منابع

طبیعی، درختکاری و موارد جواز قطع اشجار، حکم باران مصنوعی، اصلاح ژنتیکی گیاهان و

۳- اماکن: مسکن (دستورات کلی درباره معماری)، میراث فرهنگی و

۴- مصنوعات بشری: حکم مصرف گرایی، احکام مربوط به استفاده از رایانه (شکستن قفل نرم افزارها و...)، اینترنت (مسائلی همچون جعل هویت مجازی، هرزه نگاری، سرقت اطلاعات، ایذا و مزاحمت اینترنتی و...)، ماهواره، تلفن همراه و

و) در ارتباط با حکومت

سازوکارهای امر به معروف و نهی از منکر مقامات رسمی و دستگاه‌های حکومتی، نصیحت ائمه مسلمین، احکام تخلف از قوانین و مقررات (قانون گریزی)، پشتیبانی از نظام، شرکت در انتخابات، حضور در راهپیمایی‌ها و ... و بحث مشروعیت مبارزه با حاکم جائز (برای مکلفان سایر کشورها) و

■ احکام مربوط به جامعه و نظام اسلامی

الف) در ارتباط با خداوند متعال

مسائلی همچون مشروعیت حکومت در عصر غیبت، مبنای مشروعیت حاکم، مبنای مشروعیت انتخابات و آرای عمومی، ولایت فقیه، محدوده ولایت، شرایط و شئون ولی فقیه، رهبری شورایی، شرط اعلیت، وظایف و اختیارات حاکم (حکم حکومتی، احکام ثانویه، بخشش یا تبدیل احکام قضایی، اختیارات در خارج از مرزها) و ... از جمله مسائل مطرح در این بخش هستند.

ب) در ارتباط با نهادهای حکومت

۱- ساختار حاکمیت: تجزیه و تفکیک قوا، چگونگی ارتباط و تعامل نهادهای حکومت با یکدیگر، چگونگی ارتباط و تعامل نهادهای حکومت با ولی فقیه (رابطه ولایت مطلقه فقیه و استقلال قوا)، وظایف و اختیارات دولت اسلامی و

۲- نهادهای قانون‌گذاری: مشروعیت تقنین، مصونیت پارلمانی، مبانی فقهی مجمع تشخیص مصلحت، معیارها و شاخص‌های اسلامی بودن قوانین، تعارض قوانین با فتاوی مراجع، فقه نمایندگی و ...

۳- نهادهای قضایی:

۱- ۳- ساختار و سلسله مراتب قوه قضائیه: انواع دادگاه‌ها، جایگاه قاضی القضاة، اختیارات دادستان، جایگاه شوراهای حل اختلاف، هیئت منصفه و ...

۲- ۳- قضاء:

- صفات و شرایط قاضی: شرط اجتهاد و اعتبار حکم غیرمجتهد، اعتبار حکم قانونی مجتهد خلاف اجتهاد خویش، حدود و احکام استقلال قاضی، قضاوت بانوان و ...

- اختیارات و وظایف قاضی: مباحث آیین دادرسی مدنی و کیفری همچون ادله عمومی اثبات جرم و دعوی (اقرار، روش‌های بازپرسی و اعتراف‌گیری، بینة، علم قاضی، شهادت، قسم، اعتبار ابزار جدید و...)، حکم بر غائبان، کیفیت صدور حکم، آداب قضاوت و ...

۳- ۳- مجازات: مباحث قانون مجازات اسلامی شامل:

- انواع جرایم و مجازات آن: خشونت علیه خانواده، تخلف از قوانین راهنمایی و رانندگی، تخلف از مقررات مالیاتی، کلاهبرداری، اختلاس، پول‌شویی، سرقت اطلاعات، جرایم رایانه‌ای، جرم سیاسی، اخلال در امنیت روانی جامعه، ارتداد و سب المعصوم، بدعت، موارد افساد فی الارض و سایر جرائم نوپدید.

- انواع مجازات‌ها و نحوه آن: فلسفه مجازات‌ها (مثلاً حدود؛ موضوعیت یا بازدارندگی و یا دیه؛ مجازات یا خسارت مالی)، جایگاه مصلحت در اجرا و تعطیلی حدود، اجرای علنی مجازات و ... مباحث حدود و تعزیرات،

قصاص، دیات و حبس و مجازات‌های جدید نیز در همین بخش مطرح می‌شود.

۴- نهادهای نظامی، انتظامی و امنیتی:

- ۱- ۴ نظامی: دفاع و جهاد (۲۸)، مسائلی چون ساخت، فروش و به‌کارگیری سلاح کشتار جمعی، آموزش نظامی و جهاد زنان، اسیران جنگی و ...
 - ۲- ۴ انتظامی: مسائل مربوط به نیروهای انتظامی، مانند مصادیق منکرات مأموران انتظامی، بازجویی، ضرب و شتم شهروندان و متهمان، پلیس زن و ...
 - ۳- ۴ امنیتی: احکام و مسائل فقهی نیروهای اطلاعاتی، حکم جاسوسی و تجسس، حقوق مردم در تحقیقات امنیتی و ...
 - ۵- نهادهای اجرایی: فقه الإدارة (شرایط و احکام قراردادها و ...)، فقه مدیریت (اصول و مبانی مدیریت از منظر فقه)، نظام اداری (ساختار سازمان‌های اداری)، نحوه استخدام و گزینش (بررسی فقهی قانون استخدام کشوری)، احکام اجرت کارمندان، حریم حقوقی و حقیقی کارکنان، حقوق کار (احکام فقهی کار و کارگر، مبانی فقهی قانون کار، کار کودکان) و ...
 - ۶- نهادهای عمرانی: تصرف دولت در املاک خصوصی و موقوفات، تعارضات اقدامات عمرانی با حفظ محیط زیست، حق ارتفاق دولت نسبت به اراضی و املاک شخصی، احکام فقهی شهرسازی، توسعه شهری و معماری اسلامی.
 - ۷- نهادهای اقتصادی:
- ۱- ۷ مبانی: وظایف و اختیارات اقتصادی حکومت اسلامی، منابع مالی حکومت اسلامی و ...
 - ۲- ۷ ساختار: مبانی فقهی استقلال بانک مرکزی، وظایف و اختیارات بانک مرکزی در کنترل بانک‌ها و ...
 - ۳- ۷ بانک: بانکداری اسلامی، نقد و بررسی قانون بانکداری اسلامی، حقوق متقابل مردم و بانک‌ها، احکام و مبانی فقهی عقود بانکی، احکام سپرده‌های

بانکی، احکام بانکداری الکترونیک، اوراق بهادار، قراردادهای مشارکت بانکی، کفالت‌های بانکی، حواله‌های بانکی، چک و سفته، کارمزد، انواع سودهای بانکی، جوایز بانکی و... .

۴- ۷ بورس: ماهیت، مبانی و احکام فقهی انواع بورس.

۵- ۷ بیمه: شرایط و احکام انواع بیمه (عمر، درمانی، حوادث و...)، اجباری کردن بیمه.

۶- ۷ مسائل مرتبط با مالیات، مناقصه و مزایده، حقوق تجارت، قواعد و اصول حاکم بر اسناد تجاری، شرایط و احکام قراردادهای تجاری و...، نیز در ذیل همین بخش قرار می‌گیرد.

۸- نهادهای آموزشی - تربیتی: مباحث کلان فقه تربیتی، تعلیم همگانی یا اختصاصی، گزینش دانشجو، استاد و هیئت علمی، تعارض حقوق دانش آموز و دانشجو با مصالح درازمدت مدرسه و دانشگاه، اخذ شهریه برای آموزش و... .

۹- نهادهای فرهنگی - هنری: مباحث کلان فقه فرهنگ، تکالیف مجریان فرهنگی (درباره سینما، موسیقی، تئاتر، کتاب و مطبوعات و...)، مصادیق و احکام تعظیم شعائر و... .

۱۰- رسانه‌های جمعی: مباحث کلان فقه رسانه، احکام فقهی مدیریت رسانه‌های جمعی، مبانی و احکام فقهی انواع برنامه‌ها در رسانه‌های جمعی (خبری و اطلاع‌رسانی، تفریحی و سرگرم‌کننده، آگهی‌بازرگانی و...)، فیلم (تصویرسازی انبیا و معصومین علیهم‌السلام)، تصویرسازی ماوراء الطبیعه و...)، کتاب (حق تألیف و نشر، نشر ضلال و...)، مطبوعات و نشریات و خبرگزاری‌های اینترنتی و... .

ج) در ارتباط با ملت و مردم

۱- عموم مردم: حقوق اساسی مردم (آزادی‌های عمومی و اجتماعی، حریم عمومی و خصوصی، انتخابات و نحوه تعیین حاکمان و کارگزاران، همه‌پرسی و...)، نقش

و جایگاه مردم در حکومت اسلامی، حقوق متقابل مردم و نهادهای حکومت، مباحث حقوق عمومی (غیر از احکام نهادها)، درجه بندی شهروندان و... .

۲ - احزاب و نهادهای مدنی: جایگاه احزاب در حکومت اسلامی، حقوق احزاب، رابطه ولایت مطلقه فقیه و حزب، جایگاه و حقوق تشکل های مردم نهاد (NGO) و... .

۳ - مددجویان: بیکاران، بیماران، مستضعفان، خسارت دیدگان حوادث طبیعی، آسیب دیدگان اجتماعی، معلولان و ناتوانان، کودکان بی سرپرست و بدسرپرست و حتی جوانان مجرد و... .

۴ - اقلیت های دینی و مذهبی: حقوق اقلیت های دینی، ترخیص ها و تزییقات در امور شهروندی ایشان و... .

د) در ارتباط با سایر کشورها و نهادهای بین المللی

مباحث حقوق بین الملل عمومی و احکام فقهی روابط بین الملل، اصول حاکم بر روابط حکومت اسلامی با سایر دولت ها، تبیین قاعده نفی سیل، احکام و مصادیق پشتیبانی از ملت های ستمدیده، حکم تعارض منافع ملت با منافع مسلمانان خارجی، اصالت صلح یا جنگ، بررسی فقهی جایگاه منافع ملی در تعیین شرکای تجاری، افزون بر مباحث ذیل:

۱- تعامل با کشورها:

۱ - ۱ اسلامی: بررسی حق تقدم کشورهای اسلامی در تجارت کالا، دانش و فناوری و...؛

۲ - ۱ غیر اسلامی: احکام تعامل دولت اسلامی با دولت کفر، یاری گرفتن از کفار، چستی دارالحرب و... .

۲- تعامل با نهادهای بین المللی

عضویت، پذیرش معاهدات، پابندی به تعهدات سازمان های جهانی از قبیل سازمان ملل (حقوق بشر، کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، کنوانسیون رفع

شکنجه و...)، سازمان تجارت جهانی (WTO)، بانک جهانی، اینترپل، دادگاه‌های بین‌المللی (حکم طرح دعوا در محاکم غیراسلامی) و... (۲۹)

نتایج و دستاوردها

به نظر نگارنده پذیرش این ساختار و گسترش آن، می‌تواند پیامدها و دستاوردهای زیر را در پی داشته باشد:

۱. سادگی، گویایی و همه‌فهم بودن منطق این ساختار، موجب تسهیل آموزش و فهم فقه می‌شود.
۲. به دلیل توجه به مؤلفه‌های سبک زندگی، بر نقش فقه در تعیین سبک زندگی مکلفان می‌افزاید.
۳. با در بر گرفتن مسائل متنوع، جذاب و نوین فقهی، اشتیاق طلاب به فقه‌آموزی را افزایش می‌دهد.
۴. با آشکار ساختن خلأها و نیازهای فقهی، بایسته‌های فقه‌پژوهی را تعیین می‌کند.
۵. با تعیین گستره مسائل فقهی، لزوم تخصصی شدن اجتهاد را بیش از پیش آشکار می‌کند.
۶. به دلیل توجه به تحولات شگرف دنیای معاصر و مسائل جدید، زمینه‌های توسعه و رشد دانش فقه را فراهم می‌آورد.
۷. با آوردن مسائل جدید از حاشیه‌نشینی به دل فقه، زمینه‌های بحث‌های عمیق فقهی، به جای مباحث استطرادی و نامنقح درباره آنها را فراهم می‌آورد.
۸. با ارائه برنامه جامع اسلام برای حکومت و زندگی اجتماعی، با سکولاریسم مقابله عملی صورت می‌گیرد. (۳۰)

پی‌نوشت‌ها

۱. در مقاله اشاره‌ای به تحولات تبویب فقه و شیوه تبویب در المقنعه، مؤلف محترم سعی کرده ویژگی‌های این دسته‌بندی را مشخص کند و با تحلیل ترتیب مسائل مقنعه، به نوعی منطق دسته‌بندی شیخ مفید را کشف نماید (ر.ک: عمید زنجانی بی‌تا).
۲. اگرچه تاریخ فوت ابوالصلاح زودتر از سلار است، به جهت شاگردی او نزد جناب سلار و همچنین تأخر نگارش کتاب «الکافی فی الفقه» نسبت به «المراسم» - که از ارجاعات آن مشخص می‌شود - تقسیم‌بندی ایشان پس از جناب سلار نقل شد.
۳. برای اطلاع اجمالی از ساختارهای قدیمی اهل سنت ر.ک: دایرةالمعارف فقه مقارن، ص ۴۵۳ و برای ساختارهای معاصر ایشان ر.ک: نگاهی به دسته‌بندی باب‌های فقه؛ نیز ر.ک: مدخل علم فقه درس ۸۵ و ۸۷.
۴. ر.ک: مقدمه‌ای بر فقه شیعه، ص ۲۰ - ۲۵، دایرةالمعارف فقه مقارن، ص ۴۴۷ - ۴۵۶، مدخل علم فقه، ص ۲۰۷ - ۲۵۴، مقاله بررسی ساختار فقه، مقاله نگاهی به دسته‌بندی باب‌های فقه. گفتنی است که نگارنده ضمن مراجعه مستقل به کتب مذکور در متن، در نگارش این بخش و بخش بعدی، از این منابع نیز بهره برده است.
۵. دلیل تأکید بر شرائع، مقبولیت و رواج ساختار این کتاب است؛ به گونه‌ای که علاوه بر شروح آن (مانند مسالک الافهام، جواهر الکلام و...) که بالطبع مطابق ساختار آن هستند، چنین بسیاری از کتب فقهی دیگر نیز متأثر از آن است؛ برای مثال اللمعة الدمشقیة و حتی رساله‌های عملیه اکثر مراجع تقلید، از این ساختار تبعیت کرده‌اند؛ البته با تغییراتی نسبتاً جزئی.
۶. شاهد دیگر (بلکه بهتر) کتاب اولویت‌های پژوهشی دانش فقه است. در این کتاب ۲۴۰ مورد از کل ۹۷۸ مسئله، یعنی حدود یک چهارم (۲۵٪) مسائل، ذیل عنوان «ملحقات احکام» آمده است!
۷. برای اطلاع از مناقشات بر سر این موضوع و آگاهی از سایر دیدگاه‌ها ر.ک: سعید ضیائی‌فر، فلسفه علم فقه، فصل سوم.
۸. بنا بر این مبنای گزاره‌های اخباری (هست‌ها و نیست‌های) دین نیز معارف اعتقادی دین را (اعم از هستی‌شناسی دین، معرفت‌شناسی دین، انسان‌شناسی دین و...) تشکیل می‌دهند. اخلاق نیز از چگونگی کسب فضایل و دفع رذایل اخلاقی سخن می‌گوید.

۹. این تعریف از سکولاریسم را جناب آقای مصطفی ملکیان در درس گفتارهای سنت‌گرایی و تجددگرایی دانشگاه صنعتی شریف بیان کرده‌اند (ملکیان بی‌تا).
۱۰. برای آشنایی با این دیدگاه‌ها و نقد آن‌ها ر.ک: ضیائی فر ۱۳۸۲: ۸۱۸-۷۴۳؛ مهریزی ۱۳۷۹: ۳۷-۱۱؛ ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۲.
۱۱. درباره ضرورت گسترش فقه، جناب محمدرضا حکیمی مقاله‌ای با همین عنوان نگاشته‌اند؛ علاقمندان ر.ک: حکیمی ۱۳۸۷: ۱۴۳-۱۷۴.
۱۲. شایسته توجه است که تمامی مسائل فقهی، به نوعی می‌تواند در ارتباط مکلف با خداوند متعال و یا حتی خود مکلف تعریف شود؛ ولی برداشت متفاهم عرفی، برای شماری از مسائل فقهی، وجوه دیگری را درک می‌کند و بلکه آن‌ها را ترجیح می‌دهد. در مکان‌یابی مسائل فقهی در این ساختار، کوشش شده که به همین برداشت متفاهم عرفی توجه شود.
۱۳. درباره اهمیت برخورداری فقیه از بینش حکومتی و عوارض بینش فردگرایانه او نسبت به فقه ر.ک: بحث شهید صدر تحت عنوان «الاتجاهات المستقبلية لحركة الاجتهاد» (صدر، بی‌تا: ۴۷۱-۴۸۰)؛ گفتنی است که این بحث با عنوان «حرکت اجتهاد در آینده، روی به کدام سو دارد؟» را آقای علی‌اکبر ثبوت ترجمه نیز کرده است.
۱۴. نظریه ارتباط‌های چهارگانه از مباحث مرحوم علامه جعفری در ذهن نگارنده بود. در این بخش سعی شده بر مبنای تقسیم‌ثنایی این روابط موجه شوند، کاری که پیش از این نگارنده با آن مواجه نشده است. همچنین در زمینه ارتباط‌های چهارگانه، روایت «أُصُولُ الْمُعَامَلَاتِ تَفَعُّ عَلَى أَرْبَعَةٍ مُعَامَلَةُ اللَّهِ وَ مُعَامَلَةُ النَّفْسِ وَ مُعَامَلَةُ الْخَلْقِ وَ مُعَامَلَةُ الدُّنْيَا» (منسوب به امام صادق علیه السلام، ۱۴۰۰: ۵) در کتاب مصباح الشریعة، با چشم‌پوشی از مناقشات بر سر میزان اعتبار آن، قابل توجه و به نوعی مؤید است.
۱۵. شایان ذکر است که ایده اولیه این ساختار در آغاز به ذهن این کمین‌خطور کرد و از جایی اقتباس نشد؛ اما به هنگام تحقیق و تحریر این طرح، نگارنده با طرح‌های مشابهی مواجه شد که موجب اطمینان از مطبوع و پسندیده بودن این ساختار گردید. برای نمونه آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی چنین طرحی را ارائه می‌دهند: «تقسیم دیگری نیز برای کتب فقهیه اندیشیده‌ایم که می‌تواند نظم جدیدی به کتب فقهی دهد و کاستی‌ها را به حداقل برساند و آن این که احکام فقهی در نظر ابتدایی به چهار قسم تقسیم می‌شود: رابطه

انسان با خدا، رابطه انسان با خلق، رابطه انسان با خودش و رابطه انسان با حکومت. می توان قسم پنجمی را به آن افزود و آن رابطه انسان با طبیعت و محیط زیست است» (دایرةالمعارف فقه مقارن ۱۴۲۷، ج ۱: ۴۵۲)؛ آیت الله اعرافی نیز پیشنهاد مشابهی را البته با تفصیل بیش تری، در دو صفحه مطرح کرده اند و جالب آن که گفته اند: «آوردن این چارچوب [ارتباطات چهارگانه] به کتاب های فقهی و دسته بندی فقه بر این اساس، می تواند موضوع جالبی برای پژوهش مستقل باشد» (اعرافی ۱۳۹۱، اول: ۴۱۴ - ۴۱۶). ساختار کتاب مفاتیح الحیاة نیز که گروه فقه پژوهشگاه علوم و حیان معارج و تحت اشراف آیت الله العظمی جوادی آملی گردآوری شده نیز در بخش هایی، مشابه ساختار ارائه شده است؛ اگرچه به نوعی، این کتاب یک اثر فقهی به شمار نمی آید (جوادی آملی، ۱۳۹۱). راقم این سطور ضمن احترام و ارج نهادن به زحمات همه این بزرگواران، فروتنانه اعلام می دارد که ساختار طرح شده در این مقاله را، جامع تر، کم اشکال تر و قابل دفاع تر می داند. روشن است که این سخن، به معنای بی اشکال بودن ساختار پیشنهادی نیست؛ بلکه این کمین، مشتاقانه در انتظار پیشنهادها و انتقادهای اساتید معظم و فقه پژوهان معزز برای رفع این اشکالات خواهد بود.

۱۶. در مقدم کردن احکام تعامل با خویشان بر احکام رابطه با خداوند متعال و بخش های دیگری از این ساختار، از رساله حقوق امام سجاد علیه السلام الهام گرفته شده است (ر.ک: ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۵۵).

۱۷. برای اطلاع از سایر کتب فقهی که به بحث اعتقادات پرداخته اند، ر.ک: نرم افزار جامع فقه اهل البیت علیهم السلام، نسخه ۲، قسمت ابواب، عنوان مقدمات عبادات.

۱۸. به عنوان نمونه نک: علیرضا اعرافی، مقاله گسترش موضوع فقه نسبت به رفتارهای جوانی، همچنین مباحث فقه تربیتی که از سوی ایشان طرح شده است.

۱۹. روشن است که مراد از اخلاق در این جا اخلاق فردی است و نه اخلاق اجتماعی؛ برای جلوگیری از سوء برداشت می توان این شاخه را فقه التهذیب نیز نامید.

۲۰. لازم به یادآوری است که در خصوص چینش درونی مسائل هر کتاب نیز روش ها و سلاقی مختلفی وجود دارد. برای نمونه جناب شیخ بهایی در الاثناعشریة فی الصلاة الیومیة، ترتیب متفاوت و جالبی را برای مسائل نماز بیان می کند. ایشان در مقدمه کتاب چنین می گوید: «...»

مرتبۀ الفصول علی نهج قریب یسهل تناوله علی الطلاب و أسلوب غریب یهش إلیه أولو الألباب ... إنّ الأمور المعترّبة فی الصلوات الخمس اثنا عشر نوعا، لأنّها: إما أفعال، أو تروك و كلّ منها: إما واجبة، أو مستحبّة و كلّ منها: إما لسانیة، أو جنانیة، أو أركانیة. فصارت مسائل هذه المقالة الاثنی عشریة منحصرة فی اثنی عشر فصل» (برای تفصیل بیش تر ر.ک شیخ بهایی ۱۴۰۹: ۲۳) و یا مقاله جستارگشایی در فقه پژوهی شیخ بهایی (صرامی، بی تا). البته ساختار درونی کتاب الصلاة در العروة الوثقی که در رساله‌های عملیه نیز مرسوم است، نیکوتر به نظر می‌رسد.

۲۱. نیز نک: الکافی، ج ۹، ص: ۲۴۳ - ۳۵۵، برای اطلاع از کثرت طرح این مباحث در کتب قدما می‌توانید کلمه «زیارة» را در فهرست گزینشی نرم افزار جامع فقه اهل البيت ۲، جست‌وجو کنید.

۲۲. این بخش و بخش آینده (اموات) می‌توانست ذیل مباحث معاشرت با مسلمانان نیز قرار گیرد، ولی به دلیل کثرت مسائل، اهمیت و مصالح دیگر به صورت مجزا مطرح شد.

۲۳. برای اطلاع بیش تر ر.ک: فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم السلام)، ۱۴۲۶، ج ۲: ۱۸۰.

۲۴. برای اطلاع بیش تر ر.ک: فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم السلام)، ۱۴۲۶، ج ۱: ۴۲۷.

۲۵. این بخش می‌توانست در قسمت «گذران زندگانی» نیز قرار گیرد، اما به دلیل قوت جنبه اقتصادی مشاغل و نیز وجود تعامل با دیگران در اکثر مشاغل، در این جا ذکر شد.

۲۶. باب صناعات را که در شماری از کتب فقهی پیشینیان طرح شده، می‌توان بررسی مسائل مشاغل آن زمان دانست؛ برای نمونه ر.ک: فقه الرضا: ۳۰۱؛ کافی، ج ۹: ۶۴۲.

۲۷. شیخ کلینی در کافی ذیل کتاب الدواجن، احادیث فراوانی را مرتبط با این بخش روایت کرده است؛ ر.ک: کافی، ج ۱۳: ۲۵۷.

۲۸. اکثر فقها جهاد را ذیل عبادات آورده‌اند، ولی چون بیش تر به مسائل حکومتی مربوط می‌شود، در این جا آورده می‌شود. شهید صدر (علیه السلام) نیز در الفتاوی الواضحه، جهاد را ذیل رفتارهای حکومتی می‌آوردند. مباحث کلان جهاد و دفاع نیز در بخش رابطه با سایر کشورها مطرح می‌شود.

۲۹. عدم تدوین نظام موضوعات فقهی در بسیاری از زمینه‌های جدید مانند فقه حکومتی، فقه فرهنگ و رسانه، فقه محیط زیست، یکی از مشکلاتی است که نگارنده در تکمیل این

ساختار با آن مواجه بوده است و کوشیده به قدر وسع علمی و بضاعتش، در این راه نیز قدمی بردارد.

۳۰. بدیهی است که این سخن به معنای بی‌نیازی از علوم و دانش‌های دیگر نیست؛ به بیان دیگر، فقه قرار نیست به تنهایی حلال همه مشکلات باشد، بلکه فقه در پیشرفت اجتماع سهم خود را در کنار سایر علوم و دانش‌های بشری دارد. حتی بایسته است که فقیه، در تعیین بسیاری از احکام به گفت‌وگو با دانشمندان علوم تجربی و انسانی بنشیند و از دیدگاه‌های کارشناسی ایشان بهره گیرد.



کتابنامه

۱. آصف آگاه، سید محمدرضی (۱۳۹۴)، «تأملی بر ساختارهای فقه مدون امامیه»، فقه (کاوشی نو در فقه اسلامی)، ش ۷۷: ۱۱۷-۱۴۰.
۲. مرکز مدیریت حوزه علمیه قم (۱۳۹۱)، اولویت‌های پژوهشی دانش فقه، چاپ اول، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴)، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین.
۴. اسلامی، رضا (۱۳۸۴)، مدخل علم فقه، چاپ اول، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۵. _____ (۱۳۸۵)، اصول فقه حکومتی، چاپ اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۶. اعرافی، علیرضا (۱۳۹۱)، فقه تربیتی (مبانی و پیش‌فرض‌ها)، ج ۱، چاپ اول، قم: انتشارات مؤسسه فرهنگی اشراق و عرفان.
۷. اعرافی، علیرضا و سیدنقی موسوی (۱۳۹۰)، «گسترش موضوع فقه نسبت به رفتارهای جوانی»، فقه (کاوشی نو در فقه اسلامی)، ش ۷۰.
۸. برجی، یعقوبعلی (۱۳۷۴)، «نگاهی به دسته‌بندی باب‌های فقه»، فقه اهل بیت، ش ۳.
۹. حسن‌زاده، حسین (۱۳۸۳)، «بررسی ساختار فقه»، «قبسات»، ش ۳۲.
۱۰. حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۷)، آنجا که خورشید می‌وزد، چاپ اول، قم: دلیل ما.
۱۱. حلبی، ابوالصلاح (۱۴۰۳)، الکافی فی الفقه، ویراسته رضا استادی، چاپ اول، اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین (ع).
۱۲. دیلمی، حمزه بن عبدالعزیز (۱۴۰۴)، المراسم العلویة و الأحکام النبویة فی الفقه الإمامی، ویراسته محمود بستانی، چاپ اول، قم: منشورات الحرمین.
۱۳. ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۸۲)، «تقد نظریه حد اقلی در قلمرو فقه اسلامی»، قبسات، ش ۲۸.
۱۴. سید مرتضی، علی بن حسین موسوی (۱۴۰۶)، جمل العلم و المعرفة، چاپ اول، نجف: مطبعة الآداب.
۱۵. شهید اول، محمد بن مکی عاملی (بی‌تا)، القواعد و الفوائد، ویراسته سید عبدالهادی حکیم، قم: کتابفروشی مفید.
۱۶. شیخ بهایی، محمد بن حسین عاملی (۱۴۰۹)، الاثناعشریة فی الصلاة الیومیة، قم: کتابخانه و چاپخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

۱۷. شیخ حرّ عاملی، محمد بن حسن عاملی (۱۴۰۹)، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ویراسته گروه پژوهش مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۸. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۸)، الهدایة فی الأصول و الفروع (هدایة المتعلمین)، چاپ اول، قم: مؤسسه امام هادی علیه السلام.
۱۹. شیخ طوسی، محمد بن حسن طوسی (۱۴۰۷)، تهذیب الاحکام، دارالکتب الاسلامیة.
۲۰. شیخ کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹)، الکافی، چاپ اول، قم: دارالحدیث للطباعة و النشر.
۲۱. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان بغدادی (۱۴۱۳)، المقنعة، چاپ اول، قم: کنگره جهانی هزارة شیخ مفید.
۲۲. خمینی امام، سید روح الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۳. صدر، سید محمدباقر (۱۳۵۹)، همراه با تحول اجتهاد، ترجمه علی اکبر ثبوت، تهران: روزبه.
۲۴. _____ (۱۴۰۳)، الفتاوی الواضحة وفقاً لمذهب أهل البيت علیهم السلام، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۲۵. _____ (بی تا)، موسوعة الشهيد الصدر (ومضات)، مرکز الأبحاث و الدراسات التخصصیة للشهید الصدر.
۲۶. صرامی، سیف الله (۱۳۹۱)، «جستارگشایی در فقه پژوهی شیخ بهایی»، کاوشی نو در فقه، ش ۷۱
۲۷. ضیائی فر، سعید (۱۳۸۲)، جایگاه مبانی کلامی در اجتهاد، چاپ اول، قم: بوستان کتاب.
۲۸. _____ (۱۳۹۲)، فلسفه علم فقه، ج ۱، چاپ اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۹. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی حلی (۱۴۱۰)، إرشاد الأذهان إلى أحكام الإیمان، ویراسته فارس حسون، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۰. عمید زنجانی، عباسعلی (بی تا)، «شاره ای به تحولات تبویب فقه و شیوه تبویب در المقنعة»، مجموعه مقالات کنگره شیخ مفید، ش ۸۱
۳۱. مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی (۱۴۲۶)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
۳۲. فیض کاشانی، محمد محسن ابن شاه مرتضی (بی تا)، مفاتیح الشریعة، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

۳۳. _____ (۱۴۱۸)، النخبة في الحكمة العملية والأحكام الشرعية، ویراسته مهدی انصاری قمی، چاپ دوم، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۴. محقق حلّی، نجم‌الدین جعفر بن حسن (محقق حلّی) (۱۴۰۸)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ویراسته عبدالحسین محمدعلی بقال، چاپ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۳۵. مدرسی طباطبایی، سیدحسین (۱۴۱۰)، مقدمه‌ای بر فقه شیعه، ترجمه محمد آصف فکرت، چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۳۶. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، نرم افزار جامع فقه اهل البيت علیهم السلام نسخه ۲.
۳۷. _____، نرم افزار درختواره فقه.
۳۸. مطهری، مرتضی (۱۳۸۰)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، چاپ اول، قم: صدرا.
۳۹. ملکیان، مصطفی (بی تا)، جزوه سلسله درس گفتارهای سنت‌گرایی و تجددگرایی دانشگاه صنعتی شریف، منتشر نشده.
۴۰. منتظری نجف‌آبادی، حسینعلی (بی تا)، استفتائات مسائل ضمان، قم.
۴۱. منسوب به امام رضا علیه السلام (۱۴۰۶)، الفقه - فقه الرضا، ویراسته مؤسسه آل‌البيت علیهم السلام در قم، چاپ اول، مشهد: مؤسسه آل‌البيت علیهم السلام.
۴۲. منسوب به امام صادق علیه السلام (۱۴۰۰)، مصباح الشریعة، بیروت: اعلمی.
۴۳. مهریزی، مهدی (۱۳۷۹)، فقه پژوهی، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

